مکتب امام فراتر از یادبود تاریخی

ادامه از صفحه یک

این رویداد صرفاً پاسداشت اندیشه و یادمان گذشته نیست که البته آن هم در سطح خود می‌تواند قابل‌تقدیر باشد. امام خمینی(ره) «صاحب مکتب» و «منشأ گفتمانی» است که تداوم انقلاب، در تداوم و روزآمدسازی آن مکتب است. نگاه ما بر این است که جایزه جهانی به‌عنوان سکوی ترویج و نظریه‌پردازی پیرامون «مکتب امام» در حوزه‌هایی مانند عدالت‌خواهی، مردم‌سالاری دینی، استقلال، ظلم‌ستیزی و معنویت عمل کند و فراتر از یک مراسم تشریفاتی یا نمادین در قامت یک «پروژه گفتمان‌سازِ تمدنی» معرفی شود. این جایزه محدود به سطح سیاسی صرف نبوده و مقصود ارتقای سطح به‌سوی انسان‌شناسی و فلسفه فرهنگ است. جایزه جهانی امام خمینی(ره) نقطه تمرکز گفت‌وگوی تمدنی، دیپلماسی فکری و شبکه‌سازی جهانی ایران است.

۲ مکتب امام و بازتعریف هویت انسان متعالی

در ادبیات عرفانی و فلسفی مرتبط با امام، انسان حقیقتی «لاحد» و متصل به امر الهی تصویر می‌شود، نه موجودی صرفاً مادی و محاسبه‌گر. «انسان در اندیشه امام» و نقد انسان تک‌ساحتی برآمده از خرد تکنولوژیک، فن‌سالار و سرمایه‌طلب بستری برای بازگرداندن بحث انسان متعالی و کرامت روحانی به متن گفت‌وگوی جهانی است. در مطالعات انسان‌شناختی درباره امام، بر فطرت نورانی انسان و قابلیت او برای تعالی و خلافت الهی تأکید می‌شود. محورهایی از جایزه که حول «فطرت، خودِ حقیقی و بحران هویت مدرن» طراحی شده‌اند، می‌توانند به انسان امروز کمک کنند تا هویت خود را نه صرفاً بر اساس مصرف، فردیت منفصل و رقابت، بلکه بر اساس اتصال به خدا، مسئولیت اجتماعی و خودشناسی معنوی بازتعریف کند. بازخوانی امام در قالب ابتکار «جایزه جهانی امام خمینی(ره)» بنا دارد در همان جایی وارد میدان شود که بشر امروز در آن گرفتار است؛ انسان تک‌ساحتی و گرفتار در جاهلیت مدرن؛ منقطع از وحی و امر متعالی؛ مغروق در فناوری، بازار و مصرف‌گرایی؛ هر لحظه به دنبال سود و منفعت بیشتر و درعین‌حال دچار «خلأ معنا و هویت» و از آن مهم‌تر ناهوشیار و منگ درباره این نیاز فطری و خواست روحانی. در این چهارچوب، امام نه یک چهره تاریخی، بلکه «تذکردهنده درباره انسان متعالی» و محرک بازتعریف انسان در عصر به‌اصطلاح مدرن است. هدف جایزه امام این است تا از اندیشمندانی که در جهت بیدارگری و هوشیارسازی بشر جدید مجدانه مجاهدت و تلاش علمی می‌کنند، تقدیر به عمل آورد و با تشکیل اجتماعی از ایشان نسبت به هم‌افزایی این تلاش‌ها حول نام مبارک و مکتب متعالی حضرت امام(ره) همت گمارد. این اتفاق مهم‌ترین رسالتی است که دستگاه دیپلماسی فرهنگی ایران برای خود متصور است.

همان‌طور که مکرر گفته شده انقلاب اسلامی و وجودی ملت ایران چه‌بسا بدون نفس قدسی امام راحل انجام‌شدنی نبود و در هیچ‌کجای جهان هم جز با این نام و تفسیر شناخته شده نیست. همان‌طور که این اندیشه ملت ایران را از زیست این‌جهانی و ماتریالیستی که روزگاری گرفتار آن بود، منفک کرده و متوجه عالم روح و معنا کرد که شأن راستین و متعالی انسان در آن قرار دارد؛ ما معتقدیم در روزگار جدید که ابنا بشر سرگرم، گرفتار و محصور لذات پیچیده، نوظهور و البته سطحی و زودگذر آن هستند و مهم‌ترین سرمایه انسان، یعنی فرصت تأمل و تفکر درباره هویت و معنای زندگی و خلقت از آنان ربوده شده است و سطحی از «بی‌تفاوتی»، «بی‌آرمانی» و «شیء‌شدگی» کاپیتالیستی بر وجوه مختلف زندگی انسان سایه افکنده، باز هم مهم‌ترین عامل احیای انسان مدرن و توجه دادن او نسبت به این غفلت بزرگ از دل مکتب احیاگر امام خمینی(ره) بیرون خواهد آمد. ملت‌های دنیا چه بدانند چه ندانند از درون تشنه دستیابی به این معرفت هستند و بر ما که خود از این نعمت بهره‌مند شدیم، واجب و لازم است تا این سرمایه عظیم، یعنی این بینش را که مرحمت اسلام عزیز به ما بوده بدون روتوش و بی‌واسطه به سمع و نظر ملت‌های دنیا برسانیم و از هر آنکه در این مسیر گامی برداشته و بر می‌دارد، حمایت کنیم.

۳ مکتب امام در برابر عقل محاسبه‌گر خودبنیاد و بحران معنویت دیجیتال

تحلیل‌ها، امام را «حکیم متأله» معرفی می‌کنند که عقل و وحی را در یک منظومه واحد و نه در تقابل با هم می‌فهمد. برجسته‌سازی این الگو در آثار نظری، هنری و پژوهشی، نقدی جدی بر عقلانیت صرفاً ابزاری و محاسبه‌گرِ جهان مدرن است و نشان می‌دهد که عقلِ متصل به وحی، قادر به اداره زندگی فردی و اجتماعی در عصر فناوری نیز است. این مفهوم بنیادینی است که نیاز است دروازه‌های گفت‌وگوی جهانی درباره آن همواره گشوده باقی بماند.

مکتب امام نسبت به خطرات «ماشینیزه شدن» و بحران معنویت دیجیتال و بحران‌های ناشی از برساخته‌های روایی رسانه‌زده، همواره هشداردهنده، زنده و پویاست. امروز که لحظات بسیاری از عمر انسان در گشت‌وگذار در شبکه‌های ارتباطی سپری می‌شود، پژوهش‌های فلسفه فناوری از «بحران معنویت» و «غرق‌شدن انسان در بمباران اطلاعات و مصرف تکنولوژی» سخن می‌گویند. فناوری این امکان را دارد که انسان را به موجودی تک‌بعدی، شیء‌نگر و سرگشته دائمی بدل می‌کند. انذار نسبت به این جهان ماشینی و رسانه‌زده که در آن روایت‌ها به‌جای حقایق نشسته‌اند و از برند و تصویر کشورها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات دیپلماتیک کشورها در این جهان‌های برساخته سخن رانده می‌شود، ما معتقدیم این نور حقیقت است که می‌تواند تمامی این تصویرسازی‌ها را کنار بزند و مکتب امام همان تریبونی است که نسبت به این وضعیت و طرح راه‌حل‌هایی برای حفظ هویت الهی انسان در دل جهان دیجیتال و بهره‌گیری صحیح و هوشمند از مواهب آن هشدار می‌دهد و البته این مقصود، هرگز به معنای ضدیت با آن بخش تسهیل‌گر امورات زندگی بشر نیست که از مواهب و مزایای فناوری است؛ بلکه یک مواجهه با سوژگی است. تحقیقات تمدنی اخیر، نهضت امام را تلاشی برای مواجهه با «سوژه مدرنِ خودبنیاد» و بازگرداندن انسان به هویت اتصالی به خدا تحلیل کرده‌اند. امام، انسان و جامعه را از خواب ساختارهای سلطه (سرمایه، رسانه، قدرت سیاسی و فناوری) بیدار کرد و مکتب او «نهیب بیدارکننده» و الگویی برای مقاومت در برابر بلعیده‌شدن در ساختارهای فناورانه و مادی است.

به‌این‌ترتیب، همان‌طور که گفته شد بازخوانی امام و برگزاری جایزه، نه یک یادمان گذشته، بلکه یکی از معدود ابتکاراتی است که در بخشی از اهداف خود بنای این را هم دارد که مستقیماً به قلب جاهلیت مدرن و بحران انسان به‌اصطلاح مدرن بزند و «انسانِ متصل، متکامل و متعالی» را در برابر «انسانِ منفرد و ماشینی‌شده» احیا کند.

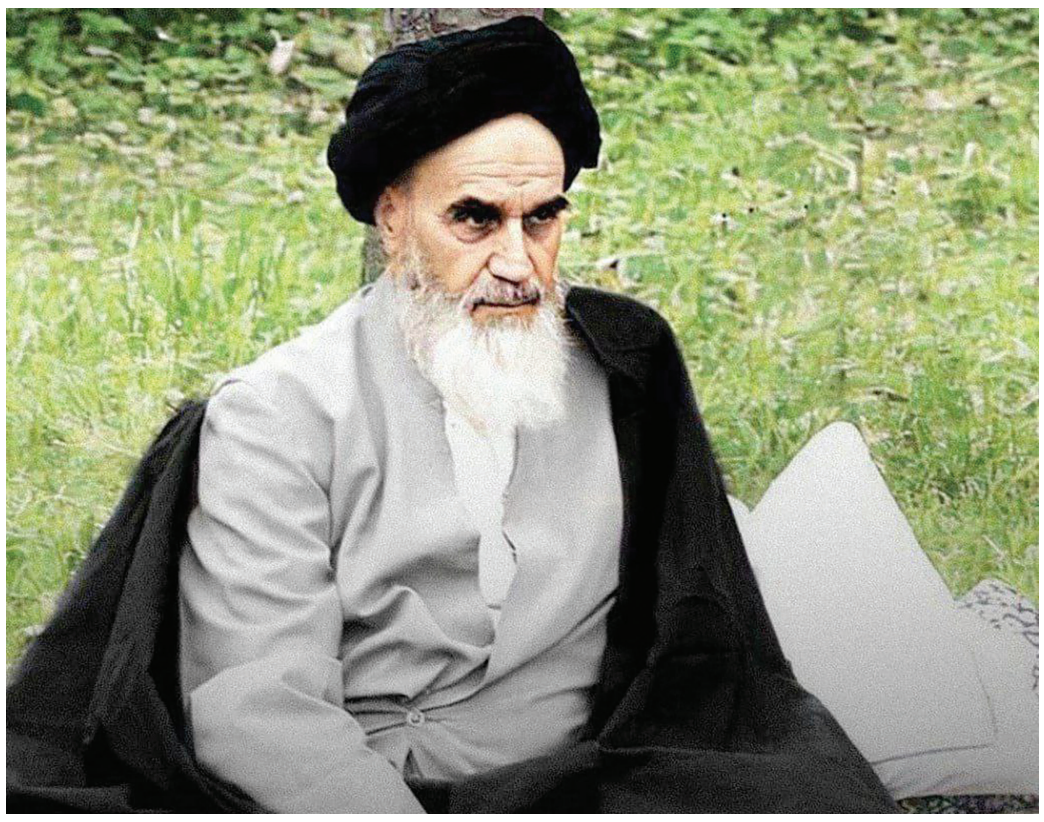

۴ امام به‌عنوان الگوی مقاومت و تجربه‌های جمعی مطالبه‌گر «زندگی متعالی» و «عدالت جهانی»

مکتب امام خمینی(ره) صرفاً در بعد نظری خلاصه نمی‌شود؛ بلکه دستورالعمل اجرایی در احیای روحیه استقلال‌طلبی دارد؛ استقلال به‌مثابه آزادی در قاموس یک ملت. ادبیات اجتماعی متأثر از اندیشه امام، بر امت، جماعت مؤمنان، همدلی و مسئولیت نسبت به محرومان تأکید دارد، نه انسان منفردِ خودبسنده. «تجربه‌های جمعی مطالبه‌گر زندگی متعالی» و انجمن‌ها، حرکت‌های مردمی، کنش‌های داوطلبانه و اجتماعی الهام‌گرفته از این نگاه و شبکه‌ها و اجتماع‌های انسانی مطالبه‌گرِ احیای انسانیت متعالی مصادیق عملیاتی شده آموزه‌های مکتب امام هستند. آموزه‌های مکتب امام همان‌طور که ملت ایران را بیدار و هوشیار کرد، همواره الهام‌بخش جنبش‌های مقاومت و عدالت‌خواه در گوشه‌گوشه دنیا بوده و شمار زیادی از کنشگران و اندیشمندان با الهام از این گفتمان در حوزه مقاومت، عدالت‌طلبی اجتماعی و مبارزه با سلطه‌طلبی فعال هستند و مجاهدت‌های ایشان مصداق بعد عملی این گفتمان است و به‌نوعی این افراد تشکیل‌دهنده شبکه جهانی عدالت‌خواهان، برابری‌طلبان و آزادی‌خواهان در جهان امروز هستند.

جایزه امام، محوری برای بازتولید گفتمان امام در سطح جهانی است و بنا دارد به تولید نظریه، پژوهش، هنر و فرهنگ در چهارچوب آن کمک کند و نشان دهد این اندیشه فراتر از رهبر سیاسی دوران‌مند، حامل پیام‌هایی درباره آزادی، عدالت و استقلال است که در عرصه بین‌الملل قابلیت گفت‌وگو پیدا می‌کند.

۵ «دیپلماسی دعوت» در برابر اسلام‌هراسی و رادیکالیسم خشونت‌ورز به نام دین

یکی از راهبردهای اصلی ایران در برابر اسلام‌هراسی‌ای که غرب آن را هدایت می‌کند، «دعوت»، گفت‌وگو و ارائه صورت‌بندی اصیل از اسلام است؛ راهبردی که ریشه آن را از نامه پیامبر به پادشاهان تا نامه امام خمینی(ره) به گورباچف و نامه‌های رهبری به جوانان جهان و دیگر ملت‌ها می‌تواند مصداق و نمونه داشته باشد. جایزه جهانی امام خمینی(ره)، بر ارتباط با نخبگانی تأکید دارد که با تمرکز بر گفتمان مکتب امام راحل باب تعامل با افکار عمومی جهان را از مسیر ترجمه، پژوهش و گفت‌وگو گشوده‌اند و مصداق همین دیپلماسی «دعوت‌محور» هستند که تأثیر زیادی بر ارائه تصویر واقعی از اسلام و ایران دارد.

یکی از مسائل مبتلابه امروز، هم‌زمانی این اسلام‌هراسی ساختاری در غرب با رشد گرایش‌های افراطی و خشونت‌ورز به نام دین است. بازخوانی چهره فقهی - عرفانی و سیاسی امام که در آن عقلانیت، اخلاق، معنویت و مسئولیت اجتماعی در کنار هم قرار می‌گیرند در قالب آثار برگزیده جایزه، یک الگوی «اسلام سیاسی اخلاقی و مردمی» و یک «روایت سوم» را در برابر قرائت‌های هم اسلام‌هراسانه و هم افراط‌گرایانه عرضه می‌کند.

پیگیری این اهداف نیازمند ایجاد یک «مرجعیت علمی» در حوزه مطالعات مربوط به امام خمینی(ره) است و ما به دنبال این هستیم که جایزه جهانی امام خمینی(ره) به کانون شبکه‌سازی مراکز پژوهشی، اتاق‌های فکر و دانشگاه‌های جهان تبدیل شود که البته مؤید رسالت سازمان فرهنگ و ارتباطات در عرصه دیپلماسی علمی و فکری و موازی با دیپلماسی رسمی هم قلمداد می‌شود. جمهوری اسلامی ایران نه فقط یک بازیگر سیاسی، بلکه یک کنشگر فرهنگی و فکری فعال در موضوع عدالت، معنویت و مقاومت در افکار عمومی نخبگان جهان است و رویداد جایزه جهانی امام خمینی(ره) که با حضور اندیشمندان و پژوهشگرانی از کشورهای متعدد برگزار می‌شود و جایزه آن عالی‌ترین نشان بین‌المللی ایران به شمار می‌رود به دنبال این است که باب گفتگوهای تمدنی، فرهنگی، فلسفی و کنشگری در این عرصه را گشوده نگه دارد. پرداختن به نظریه‌های نوین برگرفته از مکتب و اندیشه امام در موضوعاتی مانند بحران‌های هویتی، جنگ اطلاعاتی، سلطه دیجیتال، فلسطین، مهاجرت، نابرابری، مسائل زنان، کودکان، محیط زیست و... نشان می‌دهد که امام خمینی(ره) صرفاً یک رهبر تاریخی ایرانی نیست، بلکه اندیشه متعالی ایشان که برگرفته از اسلام ناب است، منبع چهارچوب‌های تحلیلی برای فهم و نقد مسائل جهان امروز است و این جایزه بنای دعوت برای گفت‌وگو درباره این موضوعات را دارد.

۶ جایزه جهانی امام خمینی(ره)؛ رویدادی برای «روندسازی» در حوزه اندیشه

بررسی نظام سیاستی غرب نشان می‌دهد محافل غربی نظام غیررسمی مهمی در هژمون‌سازی از ارزش‌های مدنظر خود دارند و تلاش می‌کنند بخش مهمی از اقدامات خود را از طرق غیرمستقیم و غیررسمی پیش ببرند. برخی ممکن است تصور کنند ایجاد رویدادهایی مانند جایزه امام خمینی(ره) اقدامی صرفاً تشریفاتی و نمایشی است و بی‌بهره یا حداقل کم‌بهره از عقبه‌های عمیق اندیشه‌ای و فکری است و توصیه به رویکردهای غیررویدادی درباره این مباحث داشته باشند؛ اما واقعیت این است که در جهان معاصر «رویدادها» می‌توانند به ایجاد «روندها» و شتاب دادن به تولید ادبیات، نشر و روزآمدسازی محتوا کمک کنند.

با عبور از مناقشه بر سر مثال و با علم به هم‌تراز ندیدن مثال پیش رو با آنچه درباره ساحت حضرت امام(ره) مدنظر سیاست‌گذاران جایزه جهانی امام خمینی است؛ اما برای مثال این نکته قابل‌تأمل است که غرب با ساخت رویدادهایی مانند اعطای جایزه اسکار، عملاً به دنبال این است که بخشی از جریان فیلمسازی در جهان را خط دهی و جهت‌دهی کند یا به طور مثال جایزه‌هایی مانند گلدن‌گلوب، گرمی و امی و... وجود دارد که بر مصرف محصولات فرهنگی و ذائقه‌سازی میان مخاطبان اثر دارد و همین «مصرف» رکن بنیادین تولید و توزیع در حوزه محصولات فرهنگی، مباحث نظری و حتی معارف انسانی است. نهادسازی مراکزی همچون آی‌اس‌آی، اسکوپوس، الزویر و تیلور اند تامسون برای نمایه‌کردن مقالات علمی در دنیا، صرفاً یک امر نمایشی یا تشریفاتی نیست؛ بلکه قصد دارند علاوه بر اینکه به تازه‌ترین منابع تحقیقاتی بشر با کمترین هزینه دست یابند، یک «روند» و زمینه در اختیار داشته باشند تا این مطالعات را در جهاتی که مدنظر خودشان است، هدایت و آن را برجسته کنند و آنچه را نمی‌خوانند به چشم محافل اندیشه‌ورز درآید در حالت سانسور قرار دهند. به نظر می‌رسد جهان غیرغربی در این زمینه نیازمند تحرک بیشتر است. جوایزی مانند جایزه امام خمینی(ره) می‌تواند به ایجاد یک «روند» مهم در دنیا کمک کند، یعنی تولیدات بیشتر، باکیفیت‌تر و تبلیغات وسیع‌تر برای اندیشه، مکتب مترقی و بسیار غنی امام خمینی(ره). به‌ویژه در حال حاضر که غرب با «بحران معنا و هویت» روبه‌روست، حتماً نظریات بدیل می‌تواند بهتر شنیده شود.

همکاری حوزه و دانشگاه در طراحی نظام‌های اجتماعی

ادامه از صفحه یک

این نکته واضح است که تسلط بر همه ابعاد و معارف دینی در همه زمینه‌ها به روش مرسوم حوزه‌ها، کاری بسیار طاقت‌فرسا و زمان‌بر بوده و آشنایی مناسب با یافته‌های امروزی بشر نیز امری است مستلزم زمان و تمرکز قابل‌توجه. از همین روست که رهبر انقلاب (دام‌ظله) در همان مقام با اشاره به ظرفیت ذخیره انباشته علم در حوزه، شرط تحقق سطح علمی موردانتظار در طلبه را بازنگری در شیوه‌های آموزشی کنونی حوزه دانسته‌اند. بااین‌وجود طراحی نظام‌های اجتماعی و کمک به استقرار آن‌ها علاوه بر حوزه دانشی اسلامی، حداقل به دو حوزه دانشی دیگر نیز نیازمند است: حوزه تخصصی مانند اقتصاد یا فرهنگ و حوزه طراحی سیستم‌ها و گذار به سمت وضعیت مطلوب در آن‌ها. در این صورت اگر فردی بخواهد فرایند نظام‌سازی را به‌صورت انفرادی و مستقل طی کند نیازمند آشنایی قابل‌توجه با حداقل سه حوزه نامبرده شده خواهد بود. بر اهل فن پوشیده نیست که تحقق این امر کاری است دشوار و زمان‌بر. از سوی دیگر بدیهی است که آشنایی یک مجتهد فقه و اصول با رشته‌ای از علوم انسانی رایج بسیار سطحی‌تر از آشنایی یک متخصص در همان رشته بوده و نتایج حاصل از تلاش‌های علمی دو طرف برای توسعه دانش در سطح معناداری متفاوت خواهد بود و برعکس. همچنین بنا بر تجربه، همکاری بین عالمان دینی و دانشمندان علوم انسانی برای توسعه و تولید علم درصورتی‌که طرفین آشنایی با علوم طرف مقابل نداشته باشند، با چالش‌های قابل‌توجهی روبه‌روست. شاید آشکارترین چالش در این مدل، نبود ادبیات و فهم مشترک بین این دو گروه است. برخی برای حل این معضل مدلی را پیشنهاد داده‌اند که به‌منظور اتصال بین عالم دینی و دانشمند علوم انسانی، فردی با آشنایی حداقلی به هر دو عرصه علمی، در جایگاه ترجمه بین این دو نفر قرار گرفته و فرایند انتقال مطالب را تسهیل کند. در این مدل که مترجم صرفاً انتقال‌دهنده است نه پژوهشگر، عالم دینی آگاهی مناسب از یافته‌های امروز جهان و عمق لازم در آن را کسب نخواهد کرد و این امر سبب خواهد شد که امکان بهره‌برداری از درست و نادرست این یافته‌ها و دستیابی به حضور ذهن لازم برای استفاده از تصریحات و اشارات کتاب و سنت برای او میسر نباشد. در طرف دیگر عدم آشنایی حداقلی دانشمند علوم انسانی با مباحث دینی سبب خواهد شد که دقت موضوع‌شناسی وی در این فرایند کاهش یابد. علاوه بر این اضافه‌شدن واسطه، خطای در انتقال مطلب را افزایش خواهد داد. درنتیجه مدل ایدئال برای تولید و توسعه علم در زمینه نظام‌سازی فقهی تسلط حداکثری فرد محقق بر دانش‌های دخیل یا به‌عبارت‌دیگر «تجمع اضلاع دانشی متنوع در یک فرد» خواهد بود. البته بر کسی پوشیده نیست که این امر اگر غیرممکن نباشد، در کوتاه‌مدت در دسترس نخواهد بود.

مدل آموزشی - پژوهشی پیشنهادی

باتوجه‌به سرعت دنیای مدرن در تولید علم، پیچیدگی‌ها، پویایی‌ها و حوادث مختلف در نظامات اجتماعی، مدل مطلوب موردی است که علاوه بر تعهد به‌دقت در نتایج، از سرعت کافی برای رسیدن به نتیجه نیز برخوردار باشد. ازاین‌رو، مدل پیشنهادی نگارنده برای آموزش و پژوهش در زمینه نظام‌سازی فقهی مدلی است دوطرفه. در این مدل به جهت ساده‌سازی، علوم و دانش‌های لازم به‌منظور طراحی نظام‌های اجتماعی بر مبنای فکر اسلامی، در دو دسته کلی قرار می‌گیرند: دسته علوم و معارف اسلامی و دسته علوم انسانی رایج. بر اساس ایده اصلی در این مدل، هر فرد دارای یک مرکز ثقل علمی است. این مرکز ثقل همان مجموعه علوم یا دانش‌هایی است که فرد با تقدم و تمرکز بیشتر نسبت به سایر علوم به مطالعه و پژوهش در آن‌ها پرداخته است. بر اساس این مدل لازم است تا دانشجو یا طلبه در کنار مطالعات رسمی خود (به‌عنوان مرکز ثقل علمی خود)، به‌صورت جانبی و طبیعتاً با غلظت کمتر به مطالعات دانش‌های دسته دیگر بپردازد.

در این مسیر با گذشت زمان و ورود فرد به عرصه پژوهشگری لازم است تا با محققی که دسته دیگر علوم را به‌صورت متمرکز پیگیری کرده در ارتباط باشد و با همکاری یکدیگر به پژوهش بپردازند. به دلیل تسلط بیشتر پژوهشگران حوزوی در علوم اسلامی پیشنهاد می‌شود تا وظیفه توسعه و تطبیق روش‌شناسی مبتنی بر اصول و فقه جواهری به‌منظور کشف نگاه کلان شارع در عرصه‌های اجتماعی، بر عهده آن‌ها و وظیفه توسعه و تطبیق روش‌شناسی ساخت و استقرار نظامات اجتماعی مبتنی بر نظر شارع بر عهده دانشگاهیان باشد. البته در این تقسیم کار، همکاری گروه مقابل در انجام هر دو وظیفه موردنیاز خواهد بود. این تقسیم کار با مدل همکاری بین حوزه و دانشگاه در طراحی نظامات اجتماعی، پیشنهاد شده توسط مقام معظم رهبری (دام‌ظله)، همخوانی دارد.[2]

تذکر این نکته ضروری است که این مدل تفاوت اساسی با مدل موسوم به «مترجمی» دارد. در مدل مترجمی فرد مترجم یا واسط، اصالتی در پژوهش نداشته و تنها تسهیل‌گر فرایند پژوهشی در جریان بین دو محقق است. اما در مدل پیشنهادی هر دو طرف، پژوهشگرند و همواره درصدد افزایش آگاهی و عمق‌بخشی به فهم و ادراک خود در دو دسته علوم یاد شده هستند. در واقع مدل پیشنهادی، بهبودیافته و تعمیم‌یافته‌ای از فرایندی است که در نگارش پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی و حوزوی طی می‌شود. در این فرایند که تنها یک محقق موجود است، دانشجو یا طلبه واسطه بین دو یا چند عالم دیگر (استادان راهنما و مشاور) می‌گردد. اما این وساطت به‌گونه‌ای است که اصالت در تحقیق با فرد واسط است نه آن دو عالم. در مدل پیشنهادی ما نیز هر دو محقق به نحوی محل جمع و اتصال استادان مختلف خود در علوم اسلامی و انسانی خواهند بود با این تفاوت که سطح درک متقابل و درنتیجه رسیدن به مقصود (توسعه دانش) بسیار بیشتر از مدل پایان‌نامه‌ای است. طبیعی است که در سطوح پایین‌تر و تمرینی تحقیق یا در شرایط فقدان یکی از طرفینِ لازم در مدل پیشنهادی، می‌توان از مدل یادشده (پایان‌نامه‌ای) نیز با در نظر گرفتن شرایطی استفاده کرد.

در این مدل محققان هر دو طرف در فرایند علمی و به‌خصوص پژوهشی، سعی می‌کنند تا در علوم دسته مقابل به دانش و آگاهی بیشتری برسند. به کمک این مدل می‌توان افراد بیشتری را در مدت‌زمان کمتر به خدمت هدفِ طراحی نظامات اجتماعی گرفت. چشم‌انداز در این مدل آن است که پس از گذشت زمانی کوتاه‌تر نسبت به سایر مدل‌ها، عالمانی با تسلط کافی در هر دو دسته علوم تربیت شوند.

در پایان لازم است تذکر داده شود که موضوع حکم «جواز اسناد به مولی»[3] بین عالمان فقه محل مناقشه است. برخی فتوای فقیه را برای جواز اسناد به مولی کافی دانسته و برخی همان را نیز کافی نمی‌دانند. بنابراین، نتایج پژوهش‌های حاصل در مدل پیشنهادی، تا زمانی که فرد به اعلی مراتب فقاهت نرسیده باشد، امکان اسناد به مولی را نداشته و افراد باید از این موضوع در حذر باشند.

پی‌نوشت:

۱. در اعتقادات اسلامیِ شیعی، دین اسلام دینی بدون مرز و زمان خاص و برای تمام شئون زندگی شناخته شده که راه سعادت حقیقی انسان را بیان می‌کند. بنابراین اسلام هر آنچه که سعادت انسان در عرصه اجتماعی تقاضا دارد را به بهترین وجه پاسخگوست. به دیگر سخن، اعتقاد به لزوم ابتنای نظامات اجتماعی بر پایه فکر اسلامی با توجه به نتیجه این امر یعنی سعادت حقیقی انسان در عرصه اجتماع (بهره‌وری) قابل دفاع خواهد بود.

۲. ایشان در پیام به همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم می فرمایند: «در کنار حوزه، دانشگاه کشور نیز در این زمینه، دارای توان و تکلیف است؛ این می‌تواند یکی از موارد همکاری حوزه و دانشگاه باشد. کار بزرگ دانشگاه آن است که در علوم انسانی مرتبط با نظامات حاکمیتی و مردمی، به کمک نگاه محققانه و نقاد، درست و نادرست نظرات رایج دانش جهان را مشخص کند و با همکاری حوزه محتوای اندیشه دینی را در قالب‌های متناسب ارائه کند.»

۳. امکان طرح این ادعا که نتایج منطبق بر نظر شارع است.

پنجشنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۴
شماره ۴۵۸۵
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE